

**عنوان کتاب: «سازمان ملل متحد و نقض حقوق بشر در ایران»**

**نویسنده: ایرج مصداقی**

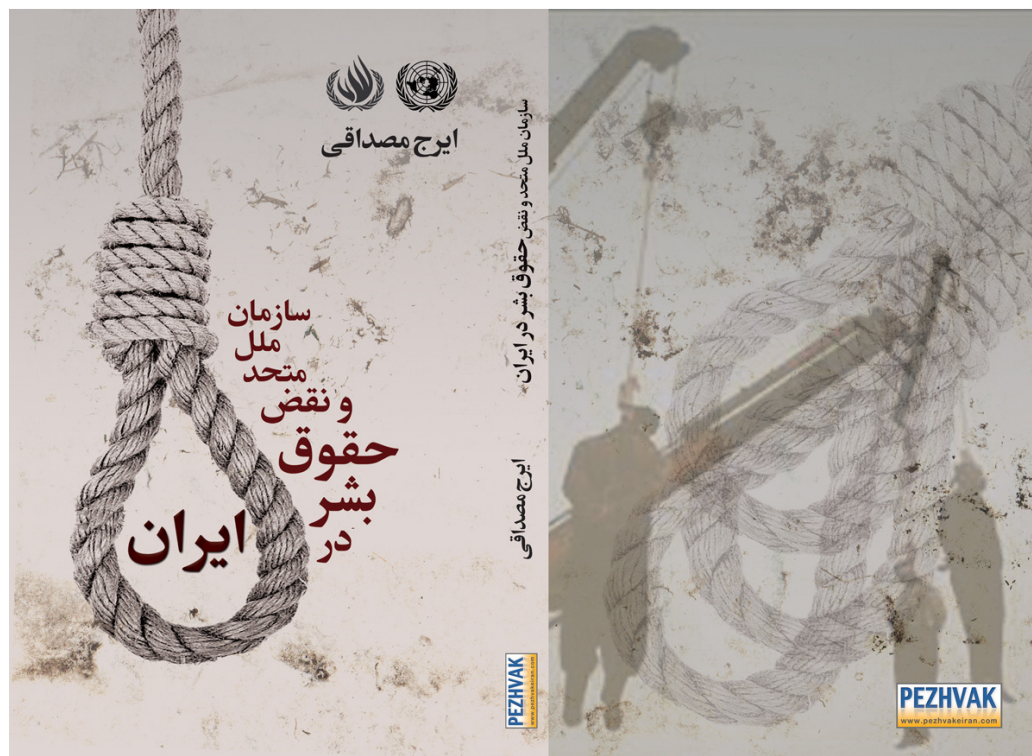
**چاپ نخست: زمستان ۲۰۱۲ میلادی / ۱۳۹۰ خورشیدی**

**ناشر: نشر پژواک، استکهلم، سوئد**

**تعداد صفحه‌ها: ۴۱۰ صفحه**

**مقدمه‌ی کتاب «سازمان ملل متحد و نقض حقوق بشر در ایران»**

**تقدیم به خاطره‌ی تابناک همه‌ی فعالان جان‌باخته‌ی حقوق بشر به ویژه پروفسور کاظم رجوی و مهرداد کلانی و محمدجعفر پوینده**



برای زندانی‌ای که بدترین و وحشیانه‌ترین انواع نقض حقوق بشر را تجربه می‌کند پژواک ناله‌هایش در مجامع بین‌المللی و آگاهی یافتن جهانیان از رنجی که می‌برد، می‌تواند التیام‌بخش دردهایی باشد که گاه توصیف‌اش نیز ناممکن است.

در دوران زندان و به ویژه از سال ۶۳ به بعد که موضوع تصویب قطعنامه‌های نقض حقوق بشر در ایران در مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر و انتخاب نماینده ویژه دبیرکل برای بررسی وضعیت نقض حقوق بشر در ایران به روزنامه‌های رسمی کشور راه یافت، با اشتیاق آن‌ها را دنبال می‌کردم و گاه مجبور می‌شدم با اطلاعات اندکی که داشتم در مورد شایعاتی که در ارتباط با کارکرد، تأثیرات و ضمانت اجرایی این قطعنامه‌ها به دلخواه زندانیان تولید و پخش می‌شد توضیح دهم.

در تنهایی‌های خودم و به ویژه در دوران طولانی‌ای که در سلول‌های انفرادی گوهردشت و اوین محبوس بودم یکی از آرزوهایم شرکت در مجامع بین‌المللی و پرواک صدایی بود که در میدان‌های تیر، بر چوبه‌های دار و راهروهای مرگ و بر تخت‌های شکنجه خاموش شد، بود.

قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و پیامدهای آن در زندان و دیدارهای سه‌گانه‌ی رینالدو گالیندویل نماینده‌ی ویژه کمیسیون حقوق بشر از اوین و گوهردشت و عدم انعکاس بزرگترین جنایت تاریخ معاصر و نقض گسترده حقوق بشر در ایران در گزارش‌های وی، من را بیش از پیش با واقعیت دستگاه‌های نظارتی سازمان ملل و پیوند ناگسستنی آن‌ها با قدرت آشنا کرد.

\*\*\*

پس از آزادی از زندان آرزویم جامعه عمل پوشید و این امکان را یافتم که بارها در اجلاس سالانه‌ی کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی حضور یابم و به عنوان یک زندانی از بند رسته صدای رفقایم را پژواک دهم و در نشست‌های جانبی سازمان‌های غیردولتی در مورد آنچه در زندان‌های جمهوری اسلامی و میهن می‌گذشت به تفصیل روشنگری کنم.

وقتی در مردادماه ۱۳۷۵ و در جریان چهل و هشتمین اجلاس عمومی کمیسیون فرعی حقوق بشر نامه‌ی مهرداد کلانی را که در اسفند ۱۳۷۴ از درون سلول انفرادی «آسایشگاه» اوین خطاب به کاپیتورن نوشته و فریاد زندانیان سیاسی واقعی میهنم را به گوش او و جهانیان رسانده بود خواندم، دیری از خاموش شدن صدای دلنشین‌اش نگذشته بود.

من که در بهار ۱۳۷۵ در جریان تحویل نامه‌ی مهرداد به کاپیتورن و برخورد انفعالی او بودم توهمی نسبت به دستگاه نظارتی ملل متحد و امثال کاپیتورن نداشتم اما وظیفه‌ی خود می‌دانستم که این صدا را پژواک دهم تا جهانیان بدانند بر ما چه می‌گذرد.

هنگامی‌که زنده یاد ابراهیم صرفتی (۱۹۲۶-۲۰۱۰) که ۲۷ سال شکنجه و درد و رنج را در زندان‌های مراکش تحمل کرده بود در همان اجلاس عصازنان به سویم آمد و مهربانانه درآغوشم گرفت و اشک‌هایش را با گوشه‌ی آستین‌اش پاک کرد، احساس کردم صدای «مهرداد» کار خود را کرده است.

\*\*\*

در سال‌هایی که هنوز اینترنت و سایت‌های خبری و حقوق‌بشری باب نشده بود و «کمپین‌های» حقوق بشری به مدد بودجه‌های هنگفت بین‌المللی راه‌اندازی نشده بود همه‌ی هم و غم تهیه‌ی اسناد و مدارک نقض حقوق بشر در ایران و تحویل آن‌ها به نماینده‌ی ویژه، گروه‌های کاری، گزارشگران موضوعی و دستیاران آن‌ها بود. این اسناد گاه متجاوز از هزاران برگ می‌شد. در آن دوران تنها سازمان مجاهدین خلق، شورای ملی مقاومت، بین‌الملل بهاییان و تعداد معدودی از شخصیت‌های منفرد ایرانی که در سازمان‌های بین‌المللی مشغول کار بودند در این زمینه به فعالیت می‌پرداختند.

در طول این دوران بارها به گفتگو و تبادل نظر با نماینده‌ی ویژه، گروه‌های کاری و گزارشگران موضوعی و دیگر کارشناسان حقوق بشر پرداختم و در جلسات کاری‌شان شرکت کردم. هرآنچه را که فکر می‌کردم در راستای به ثمر رساندن مأموریت‌شان مؤثر است برایشان فراهم می‌کردم و هر بار هیئات... اما هیچ‌گاه خسته نشدم. باور داشتم که این کمترین کاری است که می‌توانم برای احقاق حقوق قربانیان نقض حقوق بشر میهنم انجام دهم.

\*\*\*

با وجود همه‌ی معاملاتاتی که در سطح بین‌المللی برای پایمال کردن حقوق بشر صورت می‌گیرد با این حال «ایدی‌های حقوق بشر نیرویی اخلاقی و قدرتی محرک را در دنیای معاصر به وجود آورده که به سختی می‌توان در مقابل آن مقاومت کرد.» مبارزه‌ی مردم و فعالان حقوق بشر برای استیفای این حقوق، باعث سقوط دولت‌های متعدد و فرار دیکتاتورها در اقصی نقاط جهان شده است.

علیرغم شناختی که از دستگاه‌های نظارتی ملل متحد و ارتباط آن‌ها با قدرت دارم باز هم فکر می‌کنم رجوع به سازمان ملل متحد و نهادهای نظارتی و مکانیزم‌های حقوق بشری آن یکی از راه‌های اعمال فشار به دیکتاتوری‌هاست که می‌تواند در برخی موارد دست آن‌ها را برای نقض حقوق بشر بسته و محدودیت‌هایی برایشان ایجاد کند.

شناخت کارکرد دستگاه نظارتی سازمان ملل متحد و مکانیزم‌های مورد استفاده‌ی آن این امکان را برای علاقه‌مندان و فعالان حقوق بشر فراهم می‌آورد تا بتوانند با ایجاد ارتباط، حداکثر تأثیرگذاری را بر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و مصوبات نهادهای حقوق‌بشری سازمان ملل متحد داشته باشند. این تأثیرگذاری، به‌خصوص در ارتباط با دفاع از حقوق قربانیان نقض حقوق بشر و بهبود نسبی وضعیت آن‌ها اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند.

بایستی پذیرفت که جدای از تمایلات غرب و سازمان‌های بین‌المللی برای تعامل و سازش با نظام جمهوری اسلامی، کوتاهی و عدم شناخت نیروهای اپوزیسیون و ندادن بهای لازم به سازمان ملل متحد و مکانیزم‌های

حقوق بشری آن بستر مناسب برای فریب دستگاه‌های نظارتی از سوی دولت جمهوری اسلامی را به وجود آورده است.

یکی از دلایلی که نگارنده را به تهیه این مجموعه تشویق کرد، آگاهی یافتن از فقدان شناخت لازم در نزد برخی از فعالان ایرانی شناخته شده حقوق بشر از مکانیزم‌های حقوق بشری سازمان ملل و کارکرد نهادهای نظارتی آن است.

\*\*\*

در این گزارش علاوه بر این که در مورد چگونگی تشکیل سازمان ملل و مکانیزم‌های حقوق بشری آن توضیح می‌دهم و به تشریح و بررسی قطعنامه‌های صادر شده از سوی نهادهای گوناگون سازمان ملل در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران می‌پردازم ترفندهای رژیم برای فریب دستگاه‌های نظارتی سازمان ملل و نحوه‌ی برخورد دولت‌های مختلف حاکم بر کشور را نیز بازگو می‌کنم.

مطمئناً این گزارش تنها می‌تواند فتح بابی باشد برای تحقیق بیشتر در ارتباط با یکی از نیازهای مبرم جامعه‌مان. آرزویی که امیدوارم هر چه سریع‌تر به تحقق به پیوندد و شاهد انتشار آثار متعددی در این زمینه باشیم. آثاری که بی‌گمان پربرتر و غنی‌تر خواهند بود و جامعه‌ی ما و قربانیان نقض حقوق بشر را در تلاش برای به دست آوردن ابتدایی‌ترین حقوق انسانی‌شان مدد رسان خواهند بود.

استکھلم - ایرج مصداقی

ژانویه ۲۰۱۲

[Irajmesdaghi@yahoo.com](mailto:Irajmesdaghi@yahoo.com)